نگاهی به موسیقی ایران در سال مولانا

سازهایی به افتخار مولانا

[سمیه قاضی زاده]

گروه‌های موسیقی ایرانی به صرافت این افتاده‌اند که در موسیقی می‌شود برای مولانا کاری انجام داد و به همین دلیل و از آنجا که اصولاً ما به کارهای دسته جمعی علاقه خاصی داریم بیش از ۱۰ گروه موسیقی تصمیم به برگزاری کنسرت برای مولانا گرفته‌اند.

اگرچه پیش از این استادان بزرگ موسیقی ایران بارها و بارها در مورد مولانا داد سخن و آواز را سر داده بودند و آلبوم هایی را ویژه اشعار مولانا روانه بازار کرده بودند که اتفاقا با استقبال خوبی هم مواجه می‌شد، اما امسال و در آستانه هشتصدمین سال تولد مولانا، هر گروه موسیقی را که فکر کنید، تصمیم گرفته است که برای مولانا برنامه ای را اجرا کند. شاید به این جریان بتوان از دو زاویه نگاه کرد، اولی اینکه نیمه پر لیوان را ببینیم و بگوییم چقدر خوب که اینقدر همه به فکر مولانا هستند و تصمیم دارند موسیقی شان را به روان پاک و دستاوردهای هنری و ادبی مولانا تقدیم کنند و زاویه دوم اینکه چرا اینقدر دم دستی و زودگذر به مولانا نگاه می کنیم و واقعاً چندتا از این کنسرت هایی که امسال و در هفته مولانا برگزار خواهند شد، ماندگار خواهند بود، حالا ماندگار هیچ، حداقل شما بعد از یکسال آنها را به یاد خواهید آورد.

اهالی موسیقی، به جز چند استاد خاص که همیشه بلیت کنسرت هایشان به بازار سیاه کشیده می‌شود، دم از بی مخاطبی می زنند و شاید برپایی هفته مولوی و برگزاری این کنسرت ها فرصت خوبی باشد برای جذب مخاطب و چه بهتر اینکه موضوع سازِ زدن و آواز خواندن مولانا باشد.

با این حساب و به خاطر اینکه ما هم قضاوت خاصی نکرده باشیم و زاویه دید مشخصی را به شما تحمیل نکرده باشیم، همه این برنامه های موسیقی را برای شما می چینیم، خواه شما پند گیرید و خواه ملال. خلاصه این گوی و این میدان.

● **شهرام ناظری و سمفونی رومی**

«سمفونی رومی» به آهنگسازی «حافظ ناظری» و خوانندگی «شهرام ناظری»، ۱۵ اکتبر (۲۳ مهر) در سالن باربیکن، لندن، برگزار شد. «ناظری» در این روز اشعار جلال الدین محمد بلخی را خواند و بعد از اجرای این سمفونی نشان شوالیه (لژیون دونور) فرانسه به دلیل فعالیت ۲۰ سال گذشته وی در شناساندن ایران و فرهنگ شرق به غربیها، اجرای موسیقی و کنسرت های متعدد درباره مولانا و سخنرانی های ناظری درباره هنر ایرانی در دانشگاه های مختلف دنیا به او اعطا شد.

شهرام ناظری در مورد اجرای اشعار مولانا با آواز ایرانی اعتقاد دارد: اجرای اشعار مولانا لحن و آواز خاصی می خواهد که باید فعالان در این عرصه حس سورئالیستی اشعار او را درک کنند تا بتوانند جوابگوی امواج افکار مولانا باشند. اشعار مولانا از عظمت دارد و از یک فرهنگ خاص برخوردار است. آنچه در حوزه یک فرهنگ درست، قوی و عظیم قرار می گیرد، می تواند به همه درست، نزدیکی و هماهنگی داشته باشد. در حال حاضر دوره، دوره تقلب و تقلید است. هرکس هر کاری را که بخواهد انجام می دهد البته تا دو سه دهه قبل این طور نبود هنرمندان جایگاه خود را می دانستند و پای خود را به اندازه گلیمشان دراز می کردند ولی اکنون اوزان به هم ریخته و وارد مرحله تقلید شده ایم. باید فعالیتها و کارها به دست افراد صاحب صلاحیت و مطلع سپرده شود تا از این مرحله خارج شویم.

ناظری گفت: شعر مولانا جایگاه خودش را دارد و نمی توان اشعار مولانا را در موسیقی پاپ گنجاند بلکه باید با ارکستر کلاسیک اشعار مولانا را اجرا کرد. اشعار مولوی جنبه حماسی دارد که باید در موسیقی حرکت پرتلاطم و روح پر حماسه مولانا را در نظر گرفت. عظمت نهایی روح مولانا را هنوز هیچ کس نتوانسته دریابد و این مسأله نیاز به یک برنامه ریزی بزرگ دارد. در حال حاضر افرادی که روی موسیقی با اشعار مولانا فعالیت می کنند فقط می خواهند از قافله جهان امروز عقب نمانند. زیرا در پنج سال گذشته مولانا مورد توجه قرار گرفته است و فروش آثار مولانا بیشترین ارقام را به خود اختصاص داده است به همین دلیل خواننده گان ما نیز وارد این حوزه شده اند و چه بسا برخی از آنها صلاحیت کار را ندارند. در سال های گذشته به دلایلی از اشعار سعدی بیشتر در موسیقی استفاده می شد و به دلایل تاریخی اشعار فردوسی و مولانا که مضمون حماسی دارند از حوزه موسیقی سنتی کنار گذاشته شده بود. از سه دهه قبل کار با شعر مولانا را آغاز کردم. در همان دوره مولانا گرینی، دلیل انتخاب اشعار مولانا وجود فرهنگ حماسی شعر او بود. به دنبال الحان حماسی رفتم تا بدانم چرا این الحان در گذشته بوده ولی اکنون از بین رفته اند پس از تحقیق دریافتم که شعر مولانا با روحیه و فرهنگ من نزدیک است.

● **محمدرضا شجریان و کنگره بین المللی شمس تبریزی**

محمدرضا شجریان، استاد موسیقی ایران برای زیارت آرامگاه شمس تبریزی مراد و مرشد جلال الدین مولوی به شهرستان خوی سفر کرد و از اجرای یک برنامه موسیقی در این شهرستان خبرداد.

شجریان در مورد این سفرش که در جریان برگزاری کنگره بین المللی شمس تبریزی در خوی بود، گفت: شکوه و عظمت یافتن خوی، به لحاظ وجود آرامگاه شمس تبریزی در این شهرستان است.

● **شمس و پورناظری ها**

گروه شمس که نام مولانا را پیوسته با خود به همراه دارد، جزو نخستین گروه های موسیقی ایرانی بودند که به مناسبت سال مولانا به اجرای قطعات موسیقی پرداختند. گروه موسیقی شمس به سرپرستی کیخسرو پورناظری و خوانندگی فرشاد جمالی در تابستان امسال به مدت چهار شب به اجرای موسیقی در کاخ سعدآباد پرداخت.

پیش از این استادان بزرگ موسیقی ایران بارها و بارها در مورد مولانا داد سخن و آواز را سر داده بودند و آلبوم‌هایی را ویژه اشعار مولانا روانه بازار کرده بودند

کیخسرو پورناظری، سرپرست گروه موسیقی شمس معتقد است: «موسیقی ما و همچنین اشعار مولانا دریای بی کران و گسترده ای است که می توان سالیان سال آنها را کنار هم نشاند و بدین وسیله موسیقی را به تعالی رساند. دیوان کبیر و مثنوی مولوی حاوی مهمترین اندیشه ها و مکتوبات این شاعر گرانقدر است و اگر سالها گروه های موسیقی در ایران روی آنها کار کنند باز هم جای کار دارد. موسیقی تأثیرگذارترین هنر است و می تواند در ارائه اشعار و ابعاد وجودی مولوی نیز تأثیرگذار باشد.»

اویهان کرد: «گروه شمس نیز در این زمینه تمام تلاش وسعی خودش را در کنسرت اخیر به مناسبت سال مولانا ارائه داد و در واقع در سال جهانی مولانا دست تنها در حد مقدور و توان انجام وظیفه کرد.»

● **کسایی و ناهید**

در برزگداشت مولانا که ششم آبان در تهران برگزار شد، «حسن کسایی» و «حسن ناهید» به نی نوازی پرداختند. این برنامه در جریان برگزاری کنگره بزرگداشت هشتصدمین سال تولد مولانا که از ششم تا دهم آبان ماه امسال در تهران، تبریز و خوی بود برپا شد.

● **محمدرضا لطفی**

محمدرضا لطفی و محمد قوی حلم به انگلستان رفته و در تالار کوین الیزابت در شهر لندن با اجرایی بداهه، در هشتصدمین سال تولد مولانا جلال الدین محمد رومی، کنسرتی را اجرا کردند.

لطفی در این کنسرت، برداشت خاص خود از اشعار «مولانا جلال الدین محمد»، شاعر و عارف بزرگ ایرانی را به مناسبت سال مولوی به اجرا در آورد. در این کنسرت که ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر روز ۲۸ اکتبر به وقت لندن اجرا شد، محمدرضا لطفی آواز، نواختن سه تار و تار و محمد قوی حلم نواختن تنبک و دف را بر عهده داشت. این کنسرت که توسط «بنیاد میراث ایران» در لندن و گروه هنری «نوا» هماهنگ شد، از مجموعه برنامه های «جشنواره رومی» بود که توسط این بنیاد به مناسبت یادبود سالگشت تولد مولانا به اجرا گذاشته شد.

● **سالار عقیلی و جشنواره مورگن لند**

«سالار عقیلی» به همراه گروه راز و نیاز در برنامه ای تحت عنوان شب مولانا در جشنواره مورگن لند، به اجرای قطعاتی از موسیقی سنتی ایران پرداخت. او در روز ۳۱ آگوست (۹ شهریور) به همراه گروه رازونیاز در جشنواره مورگن لند (جشنواره شرقی) اجرای قطعاتی را در دستگاه ماهور، نوا و مرکب خوانی اجرا کرد.

● **سراج و بیدل**

کنسرت گروه موسیقی بیدل به سرپرستی و خوانندگی «حسام الدین سراج» در کنگره بزرگداشت هشتصدمین سال مولانا برگزار شد. گروه موسیقی بیدل در این کنسرت منتخبی از غزلیات دیوان شمس تبریزی که مشتمل بر ۳ تصنیف و یک قطعه ساز و آواز است را اجرا کردند. حسام الدین سراج در مراسم افتتاحیه جشنواره شمس تبریزی در خوی با کاری جدید روی صحنه رفت و برای نخستین بار به آواز اصیل ایرانی توسط یک هنرمند در خوی اجرا می شد. گروه حسام الدین سراج پس از اجرای سه تصنیف و یک آواز از دیوان شمس مولانا مورد تشویق تماشاگران و علاقمندانی قرار گرفت که از ساعت ها قبل با ازدحام در سالن مجتمع فرهنگی ارشاد خوی، در انتظار اجرای این کنسرت بودند.

شهرام ناظری در مورد اجرای اشعار مولانا با آواز ایرانی اعتقاد دارد: اجرای اشعار مولانا لحن و آواز خاصی می خواهد که باید فعالان در این عرصه حس سورئالیستی اشعار او را درک کنند تا بتوانند جوابگوی امواج افکار مولانا باشند

حسام الدین سراج در آغاز کنسرت گفت: «این کنسرت را به خاطر ادای احترام به آستان شمس تبریزی در مدفن وی و به خاطر مردم خونگرم این شهر در خوی اجرا می کنیم».

● **دولتمند خال اف**

دولتمند خال اف خواننده و آهنگساز مطرح تاجیکستان در هفته مولوی به همراه گروهش به اجرای برنامه پرداخت.

دولتمند خال اف از چهارشنبه نهم آبان تا جمعه یازدهم همین ماه به مدت سه شب از ساعت ۲۱ در فرهنگسرای هنر به روی صحنه رفت. گروه هشت نفره دولتمند خال اف با سازهای بربطن، سه تار، تار و دوتار، قیچک، رباب، قانون، دف، دایره و نی در این برنامه قطعاتی را با استفاده از اشعار مولوی اجرا کردند.

● **ارکستر صدا و سیما**

برای نخستین بار ارکستر ۱۰۰ نفره مرکز موسیقی و سرود صدا و سیما، قطعه «کجایید ای شهیدان خدایی» را در سالن مولانا اجرا می کند.

قرار است که در اجلاس بین المللی رسانه های آسیا و اقیانوسیه، ارکستر سمفونیک مرکز موسیقی و سرود صدا و سیما به رهبری محمد بیگلری پور و به خوانندگی محمد عبدالحسینی، قطعه ماتدگار «کجایید ای شهیدان خدایی» از ساخته های هوشنگ کامکار و براساس شعری از مولانا را در حضور نمایندگان رسانه های مختلف آسیا و اقیانوسیه اجرا خواهد کرد. این ارکستر متشکل از گروه کر به رهبری رازمیک اوهانیان و با حضور نوازندگانی همچون علی رحیمیان، هادی آرزم، جابر اطاعتی و... در سالن کتابخانه ملی به اجرا خواهد پرداخت. در ادامه برنامه های این اجلاس بین المللی ارکسترهای دیگری از مرکز موسیقی، اعم از کردی، آذری، بوشهری، خراسانی و گیلکی به اجرای نواهای محلی و مقامی می پردازند.

● **فیه ما فیه**

گروه «فیه ما فیه» به سرپرستی سعید نایب محمدی اشعار مولانا را به سه زبان انگلیسی، فارسی و عربی در فرهنگسرای هنر اجرا کردند. در این اجرا مجتبی عسگری، استاد غلامعلی پورعطایی دوتارنواز و خواننده برجسته تربت جام و خوانندگانی از کشورهای ارمنستان و سوریه گروه را همراهی کردند. در بخش اول قطعاتی بی کلام با نام های «چهارضرب»، «لوت» و «کوزه» ساخته سعید نایب محمدی، «آفرو» ساخته همایون نصیری و «یا رایه» ساخته دمن الحراجی از کشور الجزایر اجرا شد و در بخش دوم که به اجرای قطعات با کلام اختصاص داشت، گروه فیه ما فیه با اجرای قطعه «عشق» ساخته هوشیار خیام و با صدای تیگران سوکیازیان از کشور ارمنستان به روی صحنه رفت. این خواننده ارمنی شعرهای مولوی را به زبان انگلیسی می خواند. در قطعه عشق هوشیار خیام پیانو نواخت و آواز انگلیسی، پرکاشن و عود او را همراهی کردند.

«بلخی» نام قطعه ای بود که سعید نایب محمدی آن را بر اساس مقام های تربت جام ساخته و استاد غلامعلی پورعطایی از تربت جام به عنوان نوازنده و خواننده میهمان با آواز و دوتار این قطعه را اجرا کرد. در اجرای برنامه گروه موسیقی «فیه مافیه» که پیش از این آلبومی را هم به همین نام توسط نشر موسیقی حوزه هنری منتشر کرده بودند، از این قطعه استقبال فراوانی شد.

● **روحتاف**

گروه موسیقی «روحتاف» از ایران در فرهنگسرای خانواده و مجموعه فرهنگی هنری آسمان (فرهنگستان هنر) به اجرای موسیقی پرداخت. این ویژه برنامه که در روزهای ۸، ۹ و ۱۰ آبان ماه برگزار شد، شامل دو بخش علمی(سخرانی و ارائه مقالات)، مثنوی خوانی و اجرای موسیقی بود که گروه موسیقی روحتاف قطعاتی را به صورت بداهه نوازی اجرا کرد.

این برنامه در دو بخش براساس موسیقی تنبور و موسیقی ردیف دستگاهی ایران و با استفاده از اشعار مولانا برگزار شد. سازبندی گروه موسیقی «روحتاف» براساس سازبندی موسیقی ادوار قدیم شکل گرفته است؛ «نوع سازبندی گروه» «روحتاف» را «تنبور» و«چهارتار» -که سازی احیا شده از دوران صفوی و زمان حیات عبدالقادر مراغه ای است- تشکیل می داد. در کنسرت گروه موسیقی روحتاف، نوعی تنبور ابریشمی با کاسه بزرگ، نی، کمانچه، قیچک آلتو، تنبک، دف، کوزه، نقاره و دهل مورد استفاده قرار گرفت و به گفته آرش شهریاری در ترکیب گروه سازهایی مثل «هانگ» که یک ساز سوئیسی با ریشه ایرانی است نیز استفاده شده است.

● **ایرت عشق**

بابک محمدی ایرت «طبیب عشق» را با تلفیقی از نمایش و موسیقی، به مناسبت هفته مولوی از ۴ تا ۱۱ آبان ماه جاری به مدت هشت شب به روی صحنه برد. این ایرت برگرفته از داستان «پادشاه و کنیزک» از آثار مولوی بود که علاوه بر گروه نمایش، گروه موسیقی، کر و گروه اجراکنندگان سماع نیز در آن حضور داشتند. بخش موسیقی این نمایش را ابراهیم اثباتی ساخته و رضا معماریان، خواندن اشعار مولوی را به صورت آوازی به عهده داشت.

محمدی در مورد این ایرت می گوید: قصد داشتم این داستان را به صورت کامل و بدون دخل و تصرف اجرا کنم. ما تقریباً از ۹۹ درصد اشعار مولوی در داستان پادشاه و کنیزک استفاده کرده ایم. قسمتی از این اشعار توسط خواننده خوانده می شد و قسمتی توسط بازیگران به اجرا در می آمد. اجرای این نمایش با اجرای زنده موسیقی با استفاده از سازهای ایرانی، همخوانی گروه کر و اجرای سماع همراه بود. هفت بازیگر اصلی، ۱۰ بازیگر فرعی، ۳۰ همخوان، نوازنده و کر در ایرت «طبیب عشق» حضور داشتند.

● **داوود آزاد و کنسرتی که لغو شد**

«داوود آزاد» نوازنده تار و سه تار و خواننده موسیقی سنتی ایران، که پیش از این در آلبوم « دیوان شمس و باغ» ارادت خود را به مولانا ثابت کرده بود، تصمیم گرفت تا در هفته مولوی هم برنامه موسیقی را در تهران برگزار کند.

قرار بود که در این برنامه قطعات «پیمانه»، «ای دلبر من»، «خوان وحدت»، «می بی رنگ»، «شمس و قمر»، «عشق، بیا بیا بیا»، «ساقی مستان»، «شاه بی نشان» و قطعات دیگری از داوود آزاد اجرا شوند اما این اجرا به دلیل سفر «داوود آزاد» در تالار وحدت لغو و به تاریخ دیگری موکول شد.

روایتی از رنج و رستگاری در فیلم کارگردان دانمارکی

چیزهایی که در آتش از دست دادیم

[وصال روحانی/ منبع: Film Comment]

فیلم جدید «چیزهایی که در آتش از دست دادیم» که بتازگی در آمریکا و کانادا و بخشی از اروپای غربی اکران شده، داستان رنج و رستگاری است و اضافه بر آن نوعی افشای حقایق تلخ زندگی نیز به طور پیوسته در آن رؤیت می شود.

نوع کار سوزان بی یر کارگردان دانمارکی این فیلم، مانند برخی همگنان و همفکران او، شبیه به روش «دوگما ۹۵» است که قریب به ۱۵ سال پیش باب شد و تعاریف خاص خود را دارد و واقع گرایی صرف، تا حد نزدیک شدن یک فیلم فیجر به یک کار مستند، از مشخصه های عمده آن است. این فیلم جدید به طور مستقیم از این روش برنمی خیزد، اما «بی یر» با پرهیز از بزرگ نمایی و اغراق و تکیه روی احساس صرف کارکترهایش، نوعی از واقع گرایی را سلاح و وسیله کارش قرار داده که فقط در سبک دوگما و به عنوان مثال در کارهای لارس فون تریر دانمارکی می توان آن را نشان کرد.

دیگر مشخصه فیلم «چیزهایی که در آتش از دست دادیم» بازی های قوی هنرپیشه های اصلی شامل هالی بری و بنی چیو دل تورو است و تکیه و امید این بازیگران به سناریویی بوده است که آلن لوب نگاشته است و در آن عناصر و رویکردهای نابی دیده می شود که بنیادهای آن انسانی و مبتنی بر احساسات پیچیده آن است. شاید چنین رویکردی با احتساب تم و موضوع فیلم جای تعجبی نداشته باشد، اما بی یر با استفاده از روش های کار مرسوم در سیستم دوگما و به تبع آن سود جستن از دوربین های مستقر برشانه، کلوزآپ های متعدد و مفرط و نورپردازی های غیرعادی توانسته است کاری کند که بیننده ها و تعقیب کنندگان ماجرا در عین سردرآوردن از موضوع و توانایی در تعقیب ماجرا، نوعی سرگشتگی را در خود حس کنند و این چیزی است که در کارکترهای فیلم هم می توانید حس کنید.

نوع تصویربرداری خاص این فیلم که پیش تر نیز وصف آن را آوردیم و ویژه سبک «دوگما» است، موجب شده احساسات کارکترها و بویژه آدم های اصلی قصه جلوه فزون تری بیابد. یکی از آنها زنی به نام آدری برک (با بازی هالی بری) است که ازدواج کرده و صاحب ۲ فرزند است، اما همسرش برایان (دیوید دوچوونی) یک شب در برخوردی خونبار در سطح شهر و بر اثر تیراندازی کشته می شود. در سناریوی لوب و براساس فلاش بک هایی که در آن هست، ما می توانیم دریابیم که زندگی «اینک متلاشی شده» ی آنها در گذشته چه بوده است و یکی از مواردی که در این روند بر بیننده ها روشن می شود، واقعه ای است که موجب مرگ کاملاً بی منطق و تأسف بار برایان می شود. مشکلی که در این قسمت دیده می شود، ترسیم چهره ای ایده آل از کارکتر برایان است و این تصویر چنان کم نقص است که نمی تواند حقیقی و واقعاً موجود باشد و در دنیای کنونی بتوان آن را ممکن و حقیقی دانست.

در فیلم جدید و قابل اعتنای «سوزان بی یر» دانمارکی، مردی در یک حادثه خونبار کشته می‌شود و همسر و ۲ فرزندش باید همه چیز را از نو آغاز کنند

در متن فیلم و در رجعت بی یر به گذشته برایان درمی یابیم که او با جری سان بورن (دل تورو) از سال ها پیش دوست بوده و سان بورن مردی است که سابقه آشنایی اش با برایان به سال های کودکی شان بازمی گردد، اما اینک یک فرد معتاد بیش نیست. آدری طبعاً از ارتباط همسرش با جری راضی نبوده و معتقد است که جری می خواسته از مهربانی ذاتی و فراوان برایان سوءاستفاده و مثلاً از محل پول و درآمد وی زندگی کند. با این حال پس از مرگ برایان در واقعه ای که به آن اشاره کردیم، آدری مجبور است بیش از پیش جری را ببیند و او را یاور خود در ایام عزای مرگ همسرش بینگارد.

آدری طبعاً با ۲ فرزندش در خانه مسکونی اش در شهر سیاتل زندگی می کند. یکی از آنها پسری است به نام دوری (میشا بری) و دیگری دختری به اسم هایر (الکسیس لـله وین) و شاید باور تمام آنها این باشد که در غیاب برایان و پس از مرگ تلخ وی به کسی نیاز دارند که مانند یک پدرخوانده مراقب آنان باشد و آن فرد شاید از دید بچه ها جری جلوه کند و وی که هرگز مورد تأیید آدری نبوده، در زندگی بچه های وی رل مهمی را برعهده گیرد و به آنها کمک برساند تا همه چیز را از نو آغاز کنند.

با این حال چطور می توان سابقه او و ممتاد بودنش به مواد مخدر را از یاد برد و نادیده گرفت؟ در چنین فضا و در رلی که برای شما توصیف کردیم، بنی چیو دل تورو باز هم بازی چشمگیری را ارائه کرده است و سوابق او نیز به ما می گویند که در انتخاب و اجرای رل هایش دقت و سلیقه خاصی دارد و از این دست نقش ها که ایفا نکرده است و «ترافیک» (فاچاق) کار سال ۲۰۰۰ استیون سودربرگ و ۲۱ گرم، فیلم سال ۲۰۰۳ «الیانرتیوی مکزیکی نمونه های روشنی در این خصوص هستند.

ویرانی درونی که آثار آن بر روی چهره جری هم نشسته، کاملاً قابل رؤیت و حس کردن است و او طوری حرکت می کند که انگار سنگین ترین بارها را بر دوش خود می کشد. او می کوشد در شرایط جدیدی که برایش به وجود آمده، زندگی خوب و سالمی داشته باشد و روشی متفاوت با گذشته را در پیش گیرد و همین مسأله بر جذابیت های کارا کتر او و بهتر بگوییم تضادهای وی می افزاید.

بی یر در مقام کارگردان به ما می گوید که این فرد تلاش در حل و رفع مشکل اعتیادش هم دارد، اما بدیهی است که کارش بسیار سخت باشد و هر شوک روحی و جسمی ای که به او وارد می شود، می تواند پایانی بر اشتیاق او به ترک کردن اعتیاد باشد. امید او به ارتباط پدر و فرزندی است که میان وی و ۲ فرزند آدری به وجود آمده است و این امر یک تکیه گاه برای ۲ کودک «پدر از دست داده» نیز محسوب می شود.

بی یر به خلق و ترسیم همین کارا کترها اکتفا نکرده و ما شخصیت هایی جنبی مانند کارا کتر آلیسون لومان را نیز در فیلم می بینیم و او یک معتاد دیگر همچون جری و در خط و مایه های اوست و مانند وی در مسیر بهبودی قرار دارد و بهتر بگوییم می کوشد که اعتیادش را رفع کند. شاید هم هر دو خودشان را گول می زنند و کارا کتر لومان نخستین کسی است که درمی یابد جری دوباره و بر اثر فشارهای روانی به مواد مخدر روی آورده است و کسی نمی داند که آیا آلیسون نیز چنین کرده است یا خیر.

جری اکثر مدت روز را در خانه آدری و در اطراف آن و با بازی بسکتبال در کنار کودکان وی و تلاش برای شاد کردن آنها می گذراند و در کارهای خانه نیز به آنها یاری می رساند. خانه ای که در یک آتش سوزی آسیب زیادی به آن وارد شده (ارجاع و اشاره به عنوان فیلم) و چند همسایه را هم در مسیر قصه و فراروی بینندها می گذارد. یکی از آنها جان کارول لینچ است که آنقدر ساده دل است که یک شغل روزانه را به جری پیشنهاد می کند، غافل از این که او هنوز مشغول مبارزات درونی و پس زدن امیالی است که وی را به سمت اعتیاد مجدد سوق می دهد، سکانس های پایانی فیلم، سرنوشت جری، آدری و بچه ها را تا حدی مشخص می کند، اما قدرمسلم این که واقع گرایی صرف و «دوگما»یی بی یر که رهاورد سکانس های قبلی فیلم او و محصول قصه انتخابی است، در این سکانس ها و نمادها کامل نمی شود و از آغاز هم به نظر می رسید که رستگاری در انتظار این افراد نیست و آنها قطعاً سرخوردگانی هستند که از زندگی طرفی نمی بندند. آنها به کدام سو می روند؟ مانند این می ماند که بپرسید برایان به کدام سو رفته است و آیا این خانه سوخته می تواند پیام آور زندگی برای خانواده ای ویران شده و از نو شکل گرفته باشد و جری را در سایه مسئولیتی که توان تحمل آن را ندارد، به یک آدم قابل و توانا بدل کند؟

این سؤال ها بی جواب می مانند، اما «چیزهایی که در آتش از دست دادیم»، این محصول ۱۱۳ دقیقه ای شرکت مشهور دریم وورکز در مجموع فیلمی قابل اعتنا و از آثار قابل ذکر پائیز ۲۰۰۷ است.